



منزلت دبیران و نقش کنیزان در سیاست و هنر دوره سامانی**

عسکر کریمی شرفشاده^۱، محبوب مهدویان^۲، پرویز علی اصل^۳ 

^۱ دانشجوی دکترا، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران، Askar.karimi۸۳۵۵@gmail.com
^۲ (نویسنده مسئول) استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد خوی، دانشگاه آزاد اسلامی، خوی، ایران، dr.m.mahdavian@iaukhoy.ac.ir
^۳ استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران، p.aliasl@iaurmia.ac.ir

چکیده

کاتبان و دبیران ایرانی در بین دولت‌های متقارن اسلامی بهترین جایگاه و منزلت را در زمان حکمرانان سامانی داشته‌اند. علاوه بر سعی و جدیت آنان در احیای فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی، دولت‌مردان سامانی خود مشوق آنان در این راه بوده‌اند. کنیزان نیز قطع نظر از گوناگونی کار و مشاغل آن‌ها، چه در دربار و چه در جامعه آن روز، صرف عنصر زن بودن، نقش بسیار گسترده‌ای در توسعه فرهنگ و تمدن داشته‌اند. با روش توصیفی و تحلیلی که در این مقاله انجام گرفته، شفاف ساختن کار دبیران، کنیزان و دولت‌مردان و تعامل آن‌ها با یکدیگر در این راستا مدنظر می‌باشد. سؤال این است که آیا علاوه بر کردانی و لیاقت حکومتگران سامانی، دبیران و کنیزان نیز در دوام و بقای دولت سامانی نقش مؤثری داشته‌اند؟ وضعیت هنر دوره سامانی چگونه بود؟ هدف در تبیین مطالب مقاله، آشکار ساختن این نکته است که با توجه به اینکه سامانیان با خلفای بغداد مشکلی را ابراز نکردند و خلفای مزبور چندان نظر خوبی نسبت به عناصر ایرانی نداشته‌اند، چگونه سازگار ساختن فرهنگ و تمدن ایرانی با فرهنگ اسلامی برای آنان میسر گردیده است؟ نتیجه، نوآوری و حرف جدید در نوشتار کنونی این است که دبیران و کنیزان از چه روشی برای ایجاد محبوبیت دولت سامانی در میان اقشار مختلف مردم استفاده نموده‌اند. همچنین هنر دوره سامانی در زمینه نقاشی، سفال و معماری پیشرفت قابل توجهی داشت.

اهداف پژوهش:

۱. واکاوی منزلت دبیران و کنیزان دوره سامانی.

۲. بررسی هنر دوره سامانی.

سؤالات پژوهش:

۱. منزلت دبیران و کنیزان دوره سامانی چگونه بود؟

۲. وضعیت هنر در دوره سامانی چگونه بود؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۵۵

دوره ۲۱

صفحه ۵۱۲ الی ۵۲۴

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۱/۱۰/۱۱

تاریخ داوری: ۱۴۰۱/۱۲/۲۰

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۹/۰۱

کلمات کلیدی

دبیران،

کنیزان،

حکمرانان سامانی،

تعامل همگانی،

فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی.

ارجاع به این مقاله

کریمی شرفشاده، عسکر، مهدویان،

محبوب و علی اصل، پرویز. (۱۴۰۳).

منزلت دبیران و نقش کنیزان در

سیاست و هنر دوره سامانی. مطالعات

هنر اسلامی، ۲۱(۵۵)، ۵۱۲-۵۲۴.



[dori.net/dor/20.1001.1.*
***** ***/](https://doi.org/10.22034/IAS.2023.395413.2195)



[dx.doi.org/10.22034/IAS
.2023.395413.2195](https://dx.doi.org/10.22034/IAS.2023.395413.2195)

** این مقاله برگرفته از رساله دکتری «عسکر کریمی شرفشاده» با عنوان «تبیین ساختار آموزش معماری رویدادمحور با استناد بر نظریه ساخت‌گرایی» است که به راهنمایی دکتر «محبوب مهدویان» و مشاوره دکتر «پرویز علی اصل» در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه «آزاد اسلامی» واحد «تهران مرکزی» ارائه شده است.

مقدمه

دولت سامانی یکی از دولت‌های متقارن دوره اسلامی است که با نهادی مردمی، فارسی‌زبان و تمدنی ایرانی در غرب آسیا ظهور یافت و نزدیک به یک قرن (۳۸۹-۲۸۷) با اقتدار حکومت نمود. سمرقند و بخارا، مقر فرمانروایی آن‌ها، مهد انتشار فرهنگ و تمدن ایرانی و مرکز زنده نگه‌داشتن زبان پارسی گردید. منابع تاریخی اکثراً بر این باورند که دولت سامانی در بین دولت‌های متقارن، در قبال خلفای بغداد از استقلال بیش‌تری برخوردار بود. باتوجه‌به اینکه سامانیان در روابط خود با خلفای عباسی مشکل خاصی را عنوان نکردند و از طرفی خلفای مزبور نسبت به عناصر ایرانی نظر مساعدی نداشتند، چگونه دبیران، کارگزاران و دولت‌مردان توانستند در بازسازی هویت، زبان، سنن، فرهنگ و تمدن ایرانی، اقدام چشم‌گیری را به عمل آورند؟ آیا جز این است که علاوه‌بر لیاقت، شجاعت و کاردانی حکومتگران سامانی، تعامل و همکاری‌های دبیران، وزیران و کارگزاران با دولت و حکومت موجب قوت یافتن و دیرپایی دولت سامانی گردید؟ عنصر زن قطع‌نظر از روش‌ها و سنت‌های معمول آن روزگار چگونه به‌کار گرفته می‌شد؟ زنان آزاده، هنرمند، شاعره و موسیقی‌دان چه نقشی در حفظ مقام و دوام دولت سامانی داشتند؟ این مسائل و صدها نمونه دیگر آن، نشان‌دهنده تعامل و همکاری‌های گسترده بین اقشار مختلف مردم با دولت سامانی بوده که موجب گسترش و توسعه فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی شده است.

کتاب‌های تاریخی متعددی در مورد سامانیان نوشته شده و اخیراً چند مقاله نیز با مطالبی نزدیک به‌عنوان مقاله حاضر نگاشته شده که همگی به بیان مسائل رایج در زمان سامانیان پرداخته‌اند. درخصوص هنرهای مختلف دوره سامانی مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است. شجاعی و مراثی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه نقوش سفال و منسوجات دوره سامانی و آل‌بویه در تطبیق با هنر ساسانی» به یک بررسی تطبیقی دست زده‌اند. در این مقاله آمده است هم‌زمانی تاریخی حکومت سامانی و آل‌بویه، نوزایی فرهنگی و هنری عمده‌ای را سبب شد. در این مقاله آمده است که در دوران سامانیان و آل‌بویه در آثار هنری خود از هنر ساسانی تأثیر پذیرفتند، لکن تأثیرات آن‌ها از جهاتی با یکدیگر متفاوت است. سلطانی مقدم (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان هنر و معماری در زمان سامانیان چشم‌اندازی از وضعیت هنری دوره سامانی ارائه داده است.

مطالبی که در این مقالات نگاشته شده، اگرچه چندان دور از واقعیت نبوده است، لیکن در مقاله حاضر سعی شده است که علاوه‌بر تعاملی که بین سامانیان و اقشار مختلف مردم (دبیران، کارگزاران، کنیزان و دهقانان) برقرار بوده به این موضوع پرداخته شود که چگونه دولت‌مردان سامانی بین خود و خلفای بغداد و مردم توازن برقرار می‌کردند. همچنین وضعیت هنر دوره سامانی چگونه بوده است. بازسازی هویت ایرانی و زنده نگه‌داشتن زبان پارسی و نهادینه کردن فرهنگ و تمدن اسلامی-ایرانی و ایجاد وفاق و همدلی همگانی که خود سبب محبوبیت و دوام و قوام دولت سامانی شده از ویژگی‌های این مقاله است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع تاریخی به رشته تحریر درآمده است.

۱. ادبیات نظری

در فرهنگ‌نامه‌ها و لغت‌نامه‌ها، واژه «دبیر و کاتب» به معنی منشی، نویسنده و فرد ویژه‌ای است که نگه‌دار اسرار شاه بوده و نامه‌های رسیده برای او را پاسخ می‌گفته و از صاحب‌منصبان و کارکنان اصلی در تشکیلات اداری سرزمین‌های اسلامی به‌شمار می‌آمد و حساب‌رسی خزائن شاه و امور مالی و هزینه‌دربار او را نیز برعهده داشته است. در نقش‌نگینی که از زمان ساسانیان به‌جا مانده، «دپیور» آمده است و در زبان ارمنی «دپیر» نیز از پهلوی به عاریت گرفته شده است (پورداد، ۱۳۵۶: ۲۱۲/۱-۲۰۹). دبیر علاوه‌بر اینکه کتابت فرمان سلطان و دیوان رسائل را انجام می‌داد، هم‌نشین، مشاور و مونس او به‌شمار می‌آمد. به قول دیاکونوف: «علاوه‌بر کارکنان و مأموران دولت که «دپیران» نامیده می‌شدند، پزشکان، شعرا، نوازندگان و ستاره‌شناسان هم جزء این طبقه محسوب می‌گردیدند و ریاست این طبقه با دبیران مهشت بود که جزو طبقات ممتاز به‌شمار می‌آمدند» (دیاکونوف؛ ۱۳۸۴: ۳۲۶). در صدر اسلام، معادل عربی «دبیر»، یعنی واژه «کاتب» که جمع آن «کتاب» است به افراد معینی اطلاق می‌شد که وحی الهی را می‌نوشتند و کاتبان وحی خوانده می‌شدند.

کلمه «کنیز» نیز در لغت‌نامه‌ها، خدمتکار زن، پرستار، جاریه، برده‌ای که دختر یا زن باشد معنی شده است (دهخدا، ۱۳۶۲). در زبان پارسی به اسپران جنگی (چه مرد و چه زن) برده گفته می‌شد. در زبان پارسی باستان «وَرته» به معنی اسپیر، در اوستایی «وَرته» به معنی اسپیر، در فارسی میانه «وَرَدک» به معنی اسپیر و زندانی و در زبان پهلوی «آنشهریگ» به نام بنده خوانده می‌شده که خدمتکار آتشکده و املاک مربوط به آن بوده است. عنصر زن به‌عنوان کنیز در قرن چهارم و پنجم هـ. ق. در دوره دولت‌های متقارن و نیز در زمان سامانیان، پسوندهای گوناگونی به خود گرفت؛ از جمله کنیزان آزاد، کنیزان زرخرید، کنیزان هنرمند و موسیقی‌دان، کنیزان شاعره، کنیزان رامشگر و رقصنده، کنیزان بیگاری در زمین‌های زراعی، کنیزان صیغه‌ای و کنیزان روسپی.

جنگ همواره منبع اصلی برای به‌دست آوردن کنیز و غلام و برده بوده و تنها مختص به سامانیان نبوده، بلکه مقتضی آن زمان بوده است. در دوره سامانیان، کنیزان، غلامان و خواجهگان، بعضی آزاد، برخی عبید و بیش‌تر آنان خانه‌زاد بودند. مالک برده می‌توانست غلام و برده را به دیگری واگذار کند و یا کنیز را به عقد دیگری دربیآورد. اغلب حکومتگران دولت‌های متقارن، کنیزان، غلامان و بردگان را به‌عنوان هدیه به دربار خلفای عباسی می‌فرستادند که تعداد آن‌ها رفته‌رفته زیاد شد و در زمان معتصم عباسی، لشکری از ترکان تشکیل گردید. کنیزان در دربار یا نزد اربابان و توانگران به سر می‌بردند. گروهی از بردگان و کنیزان به کار کشاورزی و یا کارهای خانه می‌پرداختند.

کنیزان غیراسیر به‌عنوان زن صیغه‌ای و یا دائمی وارد حرم‌سراها می‌شدند و یا به خدمت زنان بزرگان، به کارهای خانگی می‌پرداختند. درست در همین زمان، کنیزان هنرمند و موسیقی‌دان نسبت به دیگر هم‌سلکان خود ارج و قرب زیادتری یافتند و به‌نام کنیزان زرخرید لقب گرفتند. در بخارا پایتخت سامانیان، عده‌ای از کنیزان و نوکران که در نزد صاحبانشان قدر و ارج داشتند آزاد شده و به مناصب رسمی می‌رسیدند. در دربار برخی از شاهان و امیران دولت‌های متقارن

برخلاف رسم شایع اسلامی، فرزندان کنیزان نمی‌توانستند به ولیعهدی یا به تاج و تخت شاهی برسند. تاج و تخت مختص پسران بانوانی بود که از تبار شاهی بوده و یا از زنان آزاد بودند. در همین زمان، برخی از همسران خلفای عباسی از کنیزان بودند که مادر امیرزادگان و خلفای بعدی شدند و دارای مقام «أمّ وکد» بودند. مراجل همسر هارون عباسی اهل بادغیس و مادر مأمون (۲۱۸-۱۷۰) از آن جمله بود. ناگفته نماند که برده‌داری در ایران هم معمول بود و در سال ۱۳۰۷ ه.ش. با تصویب قانون مجلس شورای ملی ممنوع شد.

۲. نقش کنیزان و بردگان در رونق اقتصادی دوره سامانی

در قرن سوم و چهارم ه.ق.، امیران سامانی در خراسان و ماوراءالنهر بیش‌تر رونق اقتصادی خود را مدیون تجارت مهم بردگان ترک بودند. آن‌ها بر راهی که بسیاری از بزرگان ترک از آن طریق، از نواحی داخلی آسیا به دیگر مناطق جهان آورده می‌شدند مسلط بودند و بیش‌تر غلامان ترکی که از قرن سوم ه.ق. به بعد، تقریباً به‌طور عمومی به استخدام امرای مسلمان برای خدمات لشکری درمی‌آمدند، از سرزمین‌های سامانیان صادر می‌شدند. یکی از علت‌ها همین وضع مطلوب راه‌های ارتباطی بود که امرای سامانی به رونق مادی، پیشرفت‌های مالی و بهبود اقتصادی دست یافتند. آنان برای عبور بزرگان از قلمرو خود مقررات مالی وضع کردند که حق خراج (گمرکی) نامیده می‌شد و میزان آن از ۳۰ تا ۷۰ درهم بوده است. برخی از نویسندگان از جمله «فرای» معتقدند که یکی از دلایل سامانیان در توسعه‌ی مرزهای خود به سمت شمال و مشرق، بیش‌تر به قصد به‌دست آوردن کنیزان و بزرگان بوده است (فرای، ۱۳۸۹: ۱۳۱). علاوه‌بر مسائلی که برشمرده شد، نقش بزرگان ترک در جامعه ایرانی عهد سامانی، وجود آن‌ها در خدمات کشاورزی، انجام کارهای خانه و اشتغالشان در صنایع مختلف از جمله صنعت اسلحه‌سازی بود. در منابع مختلف تاریخی از جمله در قابوس‌نامه، صفات ممیزه و مطلوب بزرگان آورده شده که عبارتند از: وظایف مالی، منشی‌گری، نوازندگی، آوازخوانی در مجالس طرب، سربازی و دفاع از هجوم بیگانگان، نگهداری اسب و دام‌ها، کار در مزرعه، آشپزی و خدمتکاری در خانه.

نظر به اینکه در دربار سامانیان نسبت به دولت‌های دیگر با طبقه کنیزان و بزرگان رفتار متناسب‌تری صورت می‌گرفت، بزرگان از هدایایی که به آنان پرداخت می‌شد پس‌اندازی برای خود می‌انداختند. گاهی بردگانی که صاحبان خوش‌رفتاری داشتند اجازه کسب مال پیدا می‌کردند و با جمع‌آوری مال، خود را با خرید و یا آزاد می‌کردند و یا به کاسبی و فروشندگی می‌پرداختند و یا با هوش و تجربه‌ای که به دست آورده بودند به تجارت پرداخته و به ثروت هنگفتی دست پیدا می‌کردند (همان).

۳. هم‌گرایی دهقانان با امیران سامانی

سامانیان خود از خاندان دهقانان ناحیه بلخ بودند؛ اگرچه بعدها مدعی شدند که از تبار شاهنشاهان ساسانی هستند، اما در اصل سامان نام قریه‌ای در نزدیکی سمرقند است که ایشان زرتشتی و از امرای محلی ایرانی نژاد آنجا بوده‌اند که سردودمان‌شان «سامان خدات» یعنی بزرگ و صاحب قریه سامان نام داشت (باسورث، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

الگوی اداره قلمرو سامانیان، نظام اداری ساسانیان بود که از طریق گروه‌ها و طبقات مختلفی از جمله دهقانان و خاندان‌های دیوان‌سالار ایرانی شکل گرفته و به دوران اسلامی منتقل شده بود. در انتقال سنت‌های اداری ساسانیان به دوره سامانیان، دهقانان تأثیر بسیار مثبتی داشته‌اند. دهقانان، اشراف و دیگر طبقات ممتاز در ارکان تشکیلات اداری سامانیان، بدنه اصلی حکومت را تشکیل می‌دادند که در منابع اسلامی «اهل بیوتات» خوانده می‌شدند و به معنای عام کلمه بر اشراف اطلاق می‌شده است. این عنوان در آغاز عصر اسلامی به بازماندگان خاندان‌های برجسته و نجبا و شاهزادگان ساسانی که در عهد پیشین واسپوهران خوانده می‌شدند اختصاص داشت (کریستین سن، ۱۳۶۵: ۱۳۱). سامانیان نخستین حکومت ایرانی بودند که موفق شدند با تلفیق سنت‌های محلی ماوراءالنهر با الگوهای اداری ساسانیان و در برخی موارد به تقلید دربار خلافت عباسی که آن هم خود از ساسانیان گرفته شده بود، اولین نظام دیوان‌سالاری منسجم را در ایران تشکیل دهند. امیران دهقان‌نژاد سامانی با اقدامات مفید و به‌وجود آوردن اتحاد و هم‌گرایی با طبقات مختلف جامعه از جمله دهقانان به سه موفقیت بزرگ دست یافتند: تقویت قدرت و پایداری حکومت، بهبود بخشیدن به وضعیت اقتصادی جامعه، ایجاد محبوبیت در میان اقشار گوناگون مردم.

دهقانان در دوره سامانیان همانند دوره ساسانیان به‌عنوان صاحبان روستاها و مالکان زمین و عاملان مالیاتی تأثیر مهمی در اقتصاد سامانیان داشتند. آن‌ها با نفوذی که در میان اقشار مختلف مردم داشتند در ایجاد محبوبیت بین مردم جامعه و امیران سامانی در دوام و پایداری این سلسله و در گسترش زبان و ادبیات فارسی نقش چشم‌گیری را ایفا می‌کردند. دهقانان علاوه بر وظایف اقتصادی و سیاسی، نفوذ قابل توجهی در قسمت‌های مختلف اداری داشتند و بهتر است گفته شود که با تعامل و حسن نظری که نسبت به امیران سامانی داشتند همواره بال حکومت به‌شمار می‌آمدند، نه وبال حکومت. هم‌گرایی بین این دو موجب اطمینان امیران سامانی از دهقانان می‌شد و دولت‌مردان سامانی، دهقانان را در قدرت و مملکت‌داری، انباز و شریک خود می‌گرفتند و برای آنان اهمیت زیادی قائل بودند، چنانکه روز دوم نوروز را به دهقانان اختصاص می‌دادند (بیرونی، ۱۳۶۳: ۲۸۵). در گسترش فرهنگ و تمدن، زبان و ادبیات، سنن و آداب و رسوم ایرانی‌تباران، عناصر زمین‌دار و دهقان، تأثیر عمده‌ای در این دوره داشته‌اند، از جمله احمد بن سهل از امرا و رجال معروف این عهد و حاکم مرو و ابومنصور محمدبن عبدالرزاق طوسی سپهسالار خراسان (نرشخی، ۱۳۵۱: ۱۱۱؛ گردیزی، ۱۳۶۳: ۲۰). که فرد اخیر با حمایت از دانشمندان زرتشتی خراسان موفق به تألیف شاهنامه منثور شد، چنانکه فردوسی گوید:

یکی پهلوان بود دهقان‌نژاد دلیر و بزرگ و خردمند راد (فردوسی، ۱۳۸۳: ۷۲۱).

با پیش گرفتن این شیوه‌ی تعامل بود که سلاطین سامانی، دربار خویش را در بخارا، نه‌تنها مرکز دانش‌های سنتی بلکه کانون احیای زبان فارسی نو و ادبیات آن ساختند. رودکی شاعر پارسی‌گوی شیرین‌بیان نمونه بارز آن است که می‌گوید:

زمانه پندی آزاده‌وار داده مرا زمانه را چو نکو بنگری همه پند است

به روز نیک کسان گفت غم مخور زینهار بسا کسا که به روز تو آرزومند است

این شاعر بلندمرتبه در زمان نصر بن احمد سامانی می‌زیست (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۲/۳۶۰).

از دیگر سخن‌سرایان دوره سامانی نخستین شاعرهٔ پارسی‌گوی معروف، «رابعه بنت کعب قرداری» است که محل زندگی‌اش در بلخ خراسان بزرگ بوده و در قرن چهارم هـ. ق. می‌زیسته و هم‌عصر رودکی بوده و با وی دیدار و مشاعره داشته است. رابعه پیش از رودکی و قبل از سال ۳۲۹ هـ. ق. وفات یافت و مدفن او در مزارشریف افغانستان است و این ابیات نغز از جمله یادگاری است که از او به‌جا مانده است:

عشق را خواهی که تا پایان بری بس که بیسندید باید ناپسند
زشت باید دید و انگارید خوب زهر باید خورد و انگارید قند

و -----

سر نرگس تازه از زر و سیم نشانِ سر تاج کسری گرفت
چو رهبان شد اندر لباس کبود بنفشه نگر، دین ترسی گرفت

۳. دبیران و رجال برجستهٔ دولت سامانی

در حکومت سامانیان، طبقهٔ دبیران از افراد برجسته، بااهمیت، خدمت‌گزاران رعیت و مملکت و رازنگهدار دولت به‌شمار می‌آمدند. دبیران سهم بسزایی در دوام و قوام دولت سامانی داشتند. نفوذ و جایگاه برجستهٔ آن‌ها در دستگاه‌های دولتی سبب توسعه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی در جامعه گردید. دبیران به‌عنوان حاملان تجارب ملک‌داری و امور دیوانی نقش تاریخی مهمی را ایفا نمودند. در حقیقت آن‌ها سیاست‌مداران برجستهٔ دولت به حساب می‌آمدند، انواع اسناد را ترتیب می‌دادند، مکاتبات دولت و فرامین امیران حکومت را انشاء و ثبت و ضبط می‌کردند، جمع هزینه‌ها را مرتب و محاسبات دولت را اداره می‌کردند (مسکویه رازی، ۱۳۷۶: ۱/۱۳۰؛ جهشیاری، ۱۳۴۸: ۲۰۷). شهر نیشابور در عهد سامانیان از مراکز تعلیم دبیران و خاستگاه بسیاری از ادیبان و دبیران بوده است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۰۵). انتقال و اشاعهٔ اتحاد دین و دولت که موجب محبوبیت و استحکام قدرت امیران سامانی می‌شد توسط دبیران انجام می‌پذیرفت. دبیر یکی از ارکان مهم اداری این دوره به‌شمار می‌آمد. به گفتهٔ فردوسی:

بدو باشد آباد شهر و سپاه همان زبردستان فریادخواه

دبیران چو پیوند جان منند همه پادشاه بر نهان منند (فردوسی، ۱۳۸۳: ۱۷۴)

نظر به اینکه بسیاری از وزیران نامی و رجال برجستهٔ دولت سامانی از دبیران ایرانی بوده‌اند، تأثیر زیادی در گسترهٔ فعالیت‌های فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی در جامعه داشته‌اند.

در دوره سامانیان به دبیرانی که حساب دخل و خرج و هزینه‌های دولت را عهده‌دار بودند حاسب می‌گفتند. ابوعلی حسن بن محمد حاسب، اهل سمرقند از حاسبان دیوان امیر نصر بن احمد بود و محمد بن ابراهیم بخاری نیز از حاسبان همین دوره به حساب می‌آمد (سمعانی، ۱۹۷۶: ۱۵۴/۴، ۱۵۶).

محمد بن احمد رازی، خزانه‌دار منصور بن نوح بن نصر سامانی بود که دبیران زیادی تحت امر او بودند (همان، ۱۹۱). بلعمی وزیر بزرگ نصر بن احمد و ابوطیب مصعبی صاحب دیوان رسالت او بودند.

ابوطیب محمد بن حاتم مصعبی، ادیب، سیاست‌مدار، شاعر و دبیر عهد سامانی، صاحب دیوان رسالت امیر نصر بن احمد سامانی بود. این امیر با مصعبی و بلعمی وزیر بزرگ در مورد خلق و خوی تند خود که سبب روی گردانیدن مردم از وی می‌شد چاره‌جویی نمود. این مطلب میزان اهمیت، قدرت و نفوذ فراوان مصعبی را که در نزد امیر برخوردار بود می‌رساند (تاریخ بیهقی، ۱۲۷-۱۲۶). رودکی در مدح او قصیده‌ای سروده است. وی دبیری بلند پایه و صاحب سبک شناخته شده و به دو زبان عربی و فارسی شعر گفته است (همان، ۴۸۳-۴۸۱). او به مقام وزیری رسید و آخرین وزیر امیر نصر بود. مصعبی مخالف جیهانی و دارای مذهب شیعه‌ی اسماعیلی بود و در زمان نوح بن نصر که سیاست ضد اسماعیلی داشت در سال ۳۲۶ ه. ق. کشته شد (گردیزی، ۱۳۶۳: ۳۳۹).

ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی منسوب به جیهان، شهری در خراسان بزرگ کنار رود جیحون، وزیر باکیاست و سیاست امیر احمد بن اسماعیل و نصر بن احمد سامانی، امیر خردسال سامانی در ۳۰۱ ه. ق. بود. «جیهانی» نسبت خانوادگی مشهور و مهمی در بخارا بوده که عده‌ای از بزرگان آن در زمان سامانیان در دستگاه حکومتی سمت وزارت یا مشاغل مهم دیگری را عهده‌دار بودند. سه نفر از وزرای سامانیان که به جیهان منسوب و به جیهانی شهرت یافته‌اند عبارت‌اند از: ابوعبدالله محمد بن احمد و پسرانش محمد بن محمد (ابوعلی) و احمد بن محمد. ریاست دیوان وزارت را در زمان سامانیان به جز خاندان جیهانی، افرادی چون بلعمی، مصعبی و عتبی نیز عهده‌دار بودند. ابوعبدالله محمد بن احمد جیهانی پس از ابوبکر بن حامد نسفی به مقام وزارت احمد بن اسماعیل سامانی رسید و پس از او وزیر امیر نصر بن احمد (حک ۳۰۱-۳۳۳) که هنوز به حد رشد و بلوغ نرسیده بود عهده‌دار وزارت وی شد. او در زمان امیر نصر بن احمد دو بار مقام وزارت یافت، مرحله اول از سال ۳۰۱ تا ۳۰۹ و بار دوم از سال ۳۲۵ تا ۳۲۸. جیهانی مشهورترین رجل نامی و سیاسی دوره سامانیان به‌شمار می‌آید. همه مورخان از تدبیر و درایت او سخن گفته‌اند. در دوره وزارت او کارها مرتب گردید، مملکت‌داری نظم و ترتیب یافت و مراسم درباری ویژه‌ای برای دربار سامانی وضع شد. وی شورش شاهزادگان سامانی را فرو نشاند و «مرورودی داعی اسماعیلی» را به بند کشید و سرانجام بر اثر سعایت و فشار فقهای اهل سنت از وزارت برکنار شد. وی در بسیاری از دانش‌ها از جمله علوم جغرافیایی تألیفاتی داشته است. جیهانی در موقعیت وزارت دوره سامانیان در جهت ارتقای سطح علمی و فرهنگی مرزوبوم ایران گام مهمی برداشت و امنیت را در بخارا برقرار کرد و دیوان‌سالاری جدیدی در دستگاه سامانی بنا نهاد. وی اقدام به تألیف کتب متعددی در زمینه‌های علمی کرد که مهم‌ترین آن، کتاب «المسالک و الممالک» در زمینه جغرافیا است. او از تشویق‌کنندگان دانشمندان به حساب می‌آید و

مشوق یکی از قدیمی‌ترین و شایسته‌ترین جغرافی‌دانان، یعنی ابوزید بلخی بود و شاعران پارسی‌گوی و عرب‌زبان را نیز گرامی می‌داشت. وی در سال ۳۳۰ ه.ق. وفات یافت. ابوالفضل بلعمی دانشمند برجسته، وزیر دوره سامانی و پدر ابوعلی بلعمی (صاحب کتاب تاریخ بلعمی) است. ابوالفضل بلعمی نخستین وزیر از خاندان بلعمی در دوره سامانیان می‌باشد.

ابوعلی محمد بن محمد بن عبدالله البلعمی، وزیر سرشناس عبدالملک بن نوح و منصور بن نوح سامانی در سده ۴ هجری بود. پدر او ابوالفضل بلعمی پیش از وی وزیر دیگر فرمانروای سامانی بود. او در بخارا متولد شد و در سال ۳۶۳ ه.ق. درگذشت. ابوالقاسم اسکافی نیشابوری از دبیران و کاتبان توانا و رئیس دیوان رسائل و سراینده‌ی اشعار به دو زبان عربی و ایرانی اهل نیشابور بود که در آغاز جوانی به دربار ابوعلی محتاج فرمانروای چغانیان از امیران مشهور سامانی راه یافت و به ریاست دیوان رسائل نوح بن منصور سامانی در بخارا رسید و از برجستگان دولت سامانی بود که در توسعه فرهنگ ایرانی همت گماشت، اما قدر او نشناختند و به فضل او نواختند، از بخارا به هرات رفت و در نزد البتگین به ریاست دیوان رسالت دست یافت.

ابونصر محمد بن عبدالجبار العتبی رازی صاحب تاریخ یمینی، مورخ و نویسنده برجسته ایرانی و از کبار مترسلان قرن ۴ ه.ق. و آغاز قرن ۵ ه.ق. بود. او در بخارا به دربار امیر نوح بن منصور، هفتمین امیر سلسله سامانی راه یافت و رئیس برید نیشابور شد. تاریخ یمینی به زبان عربی فصیح توسط عتبی تألیف یافت و اولین ترجمه فارسی آن توسط ابوالشرف ناصح انجام گرفت. این کتاب شرح وقایع تاریخی از اواخر سامانیان تا زمان سلطان محمود غزنوی را دربردارد. عتبی در سال ۴۲۷ ه.ق. درگذشت.

ابویوسف یعقوب بن احمد بن محمد قاری نیشابوری از بزرگان علمی دوره سامانی است و اولین کسی بود که نهج البلاغه را به ایران آورد و به تعلیم آن پرداخت. از دیگر برجستگان دوره سامانی ابوزید بلخی - ابوسعید شبیبی - ابوالفتح بستی - محمد بن یوسف خوارزمی (بنیان‌گذار دیوان‌سالاری در دولت سامانی) - دقیقی طوسی - فردوسی - رودکی - رابعه بنت کعب قزداری (از شعرای دوره سامانیان) بودند که هر کدام از این بزرگان علم و دانشوران عصر سامانی در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی - ایرانی سهم به‌سزایی داشتند (همان).

۴. حضور بردگان ترک در دربار سامانیان

یکی از وجوه تاریخ سلسله سامانی، حضور گسترده اقوام و افراد متعدد ترک در این حکومت و همچنین تحولات اساسی است که در نتیجه وجود آنان در قلمرو سامانی حاصل شد. وقتی نصر بن احمد سامانی (حک، ۲۶۱/۲۷۹ ه.ق.) از سوی معتمد خلیفه عباسی به حکومت تمام ماوراءالنهر رسید، سامانیان توانستند وحدت سیاسی آن ناحیه را حفظ کرده و منافع بازرگانی برای خود به وجود بیاورند و به اقتصاد آن منطقه سروسامان دهند و در مقابل هجوم و حملات ترکان غیرمسلمان دشت‌های آسیای مرکزی ایستادگی نموده و از قلمرو خود دفاع نمایند. در این زمان، حواشی شمال ماوراءالنهر و فرغانه به‌طور قطع تحت سلطه اسلام درآمد. پس از او امیر اسماعیل سامانی (حک، ۲۷۹/۲۹۵ ه.ق.) به خاطر شکست دادن و به اسارت درآوردن عمرو بن لیث صفاری، مورد نوازش خلیفه بغداد قرار گرفت و به حکومت

خراسان رسید. در این زمان، سامانیان بزرگ‌ترین قدرت مشرق ایران بودند و بر نواحی اطراف چون خوارزم و سرزمین‌های آمودریای بالا و سیستان اعمال قدرت می‌کردند (باسورث، ۱۳۷۷: ۳۳۰).

ماهیت سلسله سامانی یک حکومت ایرانی و سنی‌مذهب بود که حدود دو قرن بر بخش‌های بزرگی از ماوراءالنهر ایران دوام پیدا کرد و مرکز آن در خراسان بزرگ و فرارود قرار داشت. امیر اسماعیل سامانی در سال ۲۷۹ ه.ق. تمام قلمرو سامانیان را زیر یک پرچم واحد درآورد. گرچه سامانیان به‌طور قانونی، حاکمیت خلیفه‌ی بغداد را به رسمیت می‌شناختند، اما خود به یک حکومت مستقل تبدیل شده و بخشی از دولت‌های میان‌دوره‌ی ایرانی را تشکیل دادند که منجر به ظهور مجدد فرهنگ ایرانی و زبان پارسی گردید و در این دوره، هویت ایرانی بازسازی شد.

از عهد نصر بن‌احمد و برادرش اسماعیل سامانی در نتیجه‌ی غزوات سامانیان در حدود بلاد کافر نشین ترکستان عده‌ی کثیری از ترکان به اسیری و غلامی به ماوراءالنهر راه یافتند و در بخارا در درگاه سامانی و در خدمت وزرا، اعیان، سرداران و امیران، جمع شده و در سلک چاکران و نوکران ایشان درآمدند و به تدریج نفوذ این غلامان تا آنجا رسید که از خواص حاجبان و مربیان شاهزادگان و فرزندان اعیان گردیدند (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۲۵۱).

همچنین سامانیان توانستند طبرستان را تسخیر کرده و آن را ضمیمه قلمرو خود کنند (مرعشی، ۱۳۶۱: ۳۴). سامانیان همواره در برابر حملات ترکان غیرمسلمان، از قلمرو خود دفاع می‌کردند و در پیروزی‌های خود بسیاری از سران قبایل را به اسلام فراخوانده و در مسلمان کردن آن‌ها جدیت بسیار نمودند. این رؤسای قبایل پیش از پذیرفتن اسلام، حق ورود به سرزمین‌های اسلامی را نداشتند، ولی سامانیان پس از اسلام آوردن آن‌ها با تمام قبایل ترک رفت‌وآمد را شروع نمودند و یکی از هنرهای سیاسی سامانیان همین بود که با وحدت دین و پذیرش اسلام، تمام قبایل ترک را متحد ساختند. امنیت، تجارت و رونق اقتصادی جامعه آن روز در سایه‌ی همین اتحاد به‌دست آمد. سامانیان از ابتدا بردگان ترک را که توسط سوداگران به ایران آورده می‌شدند به‌نام غلام خریده و به تربیت آن‌ها پرداخته و از آن‌ها به عنوان پایه‌های حکومت خود استفاده می‌کردند. غلامان ترک به‌واسطه‌ی جنگاوری‌شان برای سامانیان بسیار ارزشمند بودند و امیران سامانی مدارس جهت تعلیم غلامان ترک داشتند که آن‌ها را در آن مدارس برای خدمات نظامی یا اداری تربیت می‌کردند (فرای، ۱۳۸۹: ۴/۱۳۱). سامانیان به استخدام غلامان ترک در سپاه خود اقدام کردند. بردگان ترک درباری مانند سیمجوریان، البتگین، فائق و بکتوزون به مقامات عالی در این حکومت رسیدند. غیر از این رؤسای ترک، عده‌ی فراوانی نیز از این طایفه در جزء سپاه سامانی و در عداد نگاهبانان درگاه امراء داخل شدند و به تدریج در لشکر سامانی ترکان قرار گرفتند (پیرنیا و اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰: ۲۵۱) که از میان آنان فرماندهان بزرگی چون البتگین و سبکتگین برخاستند که به تدریج در کارهای سیاسی نیز دخالت می‌کردند (تاریخ گردیزی، ۱۳۶۱: ۱۱).

امیران سامانی که بر خراسان حکمرانی می‌کردند نسبت به خلفاء بغداد چندان تمایلی نداشتند و در بین دولت‌های متقارن، با اقتدار بیش‌تری حکومت می‌کردند. سامانیان پیوسته از ممالک آریایی و سنت‌های ایرانی دفاع می‌کردند و در حکومت خود اسباب توسعه‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی را فراهم می‌نمودند، درحالی‌که ترکان اصلیت خود را فراموش

نکرده و از هر موقعیتی برای ضربه زدن به حکومت سامانیان که خاستگاهی ایرانی داشتند نهایت استفاده را می کردند. اشتباه بزرگ سامانیان ایرانی نژاد و دهقانی تبار قدرتمند این بود که به پیروی از معتصم خلیفه عباسی، بیگانگان ترک نژاد را در ادارات مختلف و در دستگاه حکومتی خود راه داده و بیش از اندازه به آنها بها دادند. ورود بردگان و غلامان ترک در دربار سامانیان بعدها موجب ایجاد مزاحمت‌هایی برای امیران این سلسله گردید؛ تا جایی که تعدادشان روز به روز افزایش پیدا کرده و بر قدرتی غیرقابل کنترل دست یافتند تا بدان حد که سبب تزلزل پایه‌های حکومت گردیدند. الپتگین فرمانده سپاه سامانیان در خراسان که از غلامان خاصه ترک نژاد بود در زمان منصور بن عبدالملک بن نوح (حک: ۳۶۶-۳۵۰) هفتمین امیر سامانی، علم طغیان برافراشته و با سه هزار نفر از غلامان خاصی خویش از غزنین نهضت نمود و آن ولایت را به ضرب شمشیر مسخر ساخت و زمینه‌ساز حکومت غزنویان شد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۱۲/ ۳۶۲). ترکان رفته رفته در صدد برانداختن سلسله‌ی ایران‌گرای سامانیان برآمدند و در سقوط این دولت با اقوام خویش هم‌پیمان شده و به هدف خود که تشکیل یک حکومت هم‌تبار بود رسیده و سرانجام حکومت سلجوقیان ترک را بنا نهادند (بدرمنش، ۱۳۹۴: ۷).

۵. مختصات هنر دوره سامانی

بخارا از شهرهای مهم خراسان بزرگ در دوره اسلامی است. در این شهر، بناهای باشکوهی بنا گردیده که هر یک از نظر معماری و تزیینات از اهمیت خاصی برخوردارند. در دوره سامانی بخارا مورد توجه حکمرانان این سلسله قرار گرفت و رو به آبادانی گذاشت و مرکز تجمع هنرمندان و شاعران شد در حدود سال ۳۰۰ هجری بنای کوشک و زیبایی که یادآور معماری عهد ساسانی است در این شهر بنا شد. این بنا در مرکز شهر قرار دارد و آرامگاه امیر اسماعیل یکی از معروف‌ترین شاهان سلسله سامانی است. بنای مزبور به شکل مربع بوده اندازه هر ضلع آن ده متر است. مقبره دارای گنبد نیم‌کره‌ای است که در چهار گوشه آن چهار گنبد کوچک بنا کرده‌اند. گنبد بر فراز اتاق چهارگوش با کمک سه کنج احداث شده که قابل مقایسه با شیوه گنبدسازی در معماری پارتی ساسانی است. مقبره اسماعیل سامانی گرچه بنای بسیار کوچکی است؛ ولی سادگی و موزون بودن اجزای آن و بالاخره تزیین فوق‌العاده در سطوح داخلی و خارجی این بنا آن را در زمره شاهکارهای معماری صدر اسلام قرار داده است (تفضلی، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

در دوره سامانی‌ها دو مرکز مهم سفال‌سازی در نیشابور و سمرقند وجود داشت، برخی از اقسام سفال نقاشی شده نیشابور در سمرقند نیز معروف بود. در سال ۲۸۹ هجری سرزمین خراسان و پایتختش نیشابور به تصرف سلاطین سامانی درآمد و ضمیمه ماوراءالنهر گردید. از ظروف‌های سفالی بسیاری که از این دو مرکز به دست آمده است. مشترکات نوع ظروف تزیین آن‌ها به اثبات می‌رسد ظروف سفالی سیاه و سفید نوشته‌دار در مرو و مرکز آن ساخته می‌شد. از تزیینات دیگری که بین هر دو آیات مشترک است طرح‌های تزیینی به رنگ ارغوانی و سبز و قرمز روی زمینه سفید است. این تزیینات شام نوشته‌هایی به خط عربی و طرح‌های گیاهی است. دو نمونه از این ظروف یکی از نیشابور و

دیگری از سمرقند در موزه متروپولیتن وجود دارد طرح تزیینی دیگری شامل اشکال گل و بوته‌ای و گلدانی در مناق مثلث شکل معمول بود که بی‌شبهت به دوره عباسی نیست (اتینگهاوزن و گرابار، ۱۳۹۲: ۳۰۷).

فلزکاری عهد سامانیان نیز در درجه بالایی از تکامل قرار داشته است. مقدسی مراکز عمده فلزکاری ماوراءالنهر در اواخر قرن چهارم را در بخارا او فرغانه و خوارزم و سمرقند دانسته است دو کوزه زیبای سیمین با بدنه‌ی کرومی و گردن دراز به شکل یک مخروط ناقص و حاوی یک کتیبه کوفی در اطراف پایه که در حال حاضر در موزه آرمیتاژ در روسیه نگهداری می‌شوند، منسوب به هنر دوره سامانی می‌باشد. یکی از کوزه‌ها که با قلم‌زنی تزیین شده است، تصاویری از پرندگانی دارد که نواری را با منقار خود حمل می‌کنند. بر روی گردن کوزه دیگر تصویر طاووس و پرند دیگری قلم‌زنی شده و بر روی تنه آن پرندگانی به صورت نقش برجسته که در پیچک‌های نخل محصور شده‌اند، وجود دارند. این طرح‌ها از نوع و سبک ساسانی اقتباس شده‌اند. اما شیشه‌گری عهد سامانی ضمن ارائه نمونه‌هایی از این صنعت هنری می‌گوید که در این دوره علاوه بر ظروف شیشه‌ای که با نقش پرندگان مزین بود بطری‌های استوانه‌ای شکل با خطوط تزیینی هندسی تولید می‌شده و آشکار است که به‌طور طبیعی تولید بطری در میان سایر انواع ظروف شیشه‌ای رواج بیشتری داشت (اتینگهاوزن، ۱۳۷۶: ۶۹/۲).

نتیجه‌گیری

این مقاله به تبیین و روشن ساختن وجود دمکراسی و آزادی‌خواهی در بین حکومتگران سامانی پرداخته و این حقیقت را به‌طور شفاف بیان می‌دارد که امیران سامانی در به‌کارگیری عناصر ترک از غلامان، بردگان، کنیزان، دهقانان و دیگر اقشار جامعه در دستگاه حکومتی و قدرت خود چگونه استفاده کرده‌اند. لیاقت و سیاست امیران سامانی موجب ایجاد وفاق و همدلی در میان اقشار مختلف جامعه در سایه‌ی دین اسلام و آیین ایرانی گردید که خود موجبات پیشرفت امور مملکت و دیرپایی دولت سامانی را فراهم نمود. تقلیل مالیات‌های زراعی، کم کردن شکاف فقر و غنا، سروسامان دادن وضعیت اقتصادی دولت و جامعه، تنظیم هزینه‌های دولتی و پرداخت به موقع حقوق جنگاوران، نشان از کاردانی و وجود عدالت اجتماعی در میان دولت‌مردان سامانی بوده است. استقلال‌طلبی، عدالت‌محوری، ایجاد اتحاد و همدلی و به‌دست آوردن محبوبیت در بین سطوح گوناگون جامعه از جمله هنرمندی‌های سیاسی امیران سامانی به‌شمار می‌آید. باتوجه‌به اینکه خلفای عباسی نظر مساعدی نسبت به عناصر ایرانی نداشتند امیران سامانی با عدم اصطحکاک با آن‌ها، توانستند در به‌کارگیری سنت‌های ایرانی، اسلام را از زمینه‌ها و تنگناها و شعایر عربی بدوی رها کرده و به فرهنگ و تمدن اسلامی- ایرانی مبدل سازند و جامعه اسلامی جهانی را از قید و انحصار عربیت آزاد نموده و به دین جهانی و فراگیر تبدیل نمایند و از این جهت پایگاه شامخی در تاریخ جهان به‌دست آورند.

در حوزه هنر نیز هنر نقاشی در دوره سامانیان شروع شد و نخستین نمونه‌های نقاشی در حکومت سامانیان در نیشابور مشاهده شده است. نیشابور در زمان سامانیان سپه‌سالارنشین و امیرنشین خراسان بود و چون خود دروازه رخدادهای فرهنگی بود، الگوی شهری هم چون بخارا شد. در حقیقت نیشابور در آن دوران دروازه و راه گذر بسیاری از هنرهای فرهنگی جهان اسلام بود. در هنر معماری نیز آرامگاه امیراسماعیل سامانی در بخارا نمادی از توجه به معماری اسلامی در این دوره تاریخی است. همچنین سفال‌های به‌دست آمده از نیشابور تأییدی بر امتداد هنر اسلامی در دوره سامانی است.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

- ابن مسکویه رازی، ابوعلی. (۱۳۸۹). تجارب‌الأمم فی اخبار ملوک العرب و العجم. ترجمه: ابوالقاسم امامی، ج ۱، چ دوم، تهران: انتشارات سروش.
- اتینگهاوزن، ریچارد؛ گرابار، الگ. (۱۳۹۲). هنر و معماری اسلامی. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: سمت.
- اتینگهوزن، ریچارد. (۱۳۸۶). هنر سامانی و غزنوی. ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم بن محمد. (۱۸۸۹). المسالك والممالک. چاپ لیدن.
- باسورث، ادموند کلیفورد. (۱۳۷۷). تاریخ سیستان از برآمدن تازیان تا برآمدن دولت صفاریان. ترجمه: حسن انوشه، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد. (۱۳۶۳). تحقیق ماللهند. ترجمه: منوچهر صدوقی سها. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۷۵). تاریخ بیهقی، تاریخ مسعودی؛ به تحقیق، منوچهر دانش‌پژوه. ج ۱، تهران: انتشارات هیرمند.
- پورداد، ابراهیم. (۱۳۵۶). فرهنگ ایران باستان. جلد ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- پیرنیا، حسن و اقبال آشتیانی، عباس. (۱۳۸۰). تاریخ ایران از آغاز تا انقراض سلسله قاجاریه. چ نهم، تهران: خیام.
- تفضلی، احمد. (۱۳۸۶). تاریخ هنر و معماری اسلامی تا دوره مغول. مشهد: سخن گستر.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس. (۱۳۵۷). الوزراء و الکتاب، به کوشش، احمد حنفی، قاهره.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین. (۱۳۸۰). حبیب‌السیر فی اخبار افرادالبشر (حبیب‌السیر) با مقدمه، جلال‌الدین همائی، جلد ۲، چاپ ۴، تهران: انتشارات خیام.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۶۲). لغت‌نامه. زیر نظر، محمد معین. تهران: چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- دیاکونوف، میخائیل میخائیلوویچ. (۱۳۸۴). تاریخ ایران باستان. ترجمه: روحی ارباب، چاپ پنجم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- سمعانی، ابی سعد عبدالکریم. (۱۳۸۲). الأنساب. تصحیح و تعلیق، عبدالرحمن یمانی، طبع وزارت تحقیقات علمی والثقافة للحکومة الهندیه.

فرای، ریچاردنلسون. (۱۳۷۹). تاریخ ایران از فروپاشی دولت ساسانیان تا آمدن سلجوقیان، ترجمه: حسن انوشه، جلد چهارم، چاپ سوم، تهران: امیرکبیر.

فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۹۵). شاهنامه. براساس نسخه چاپ مسکو. تهران: کمال اندیشه.

گریستن سن، آرتور. (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: رشید یاسمی، تهران: دنیای کتاب.

گردیزی، ضحاک بن محمود. (۱۳۶۳). تاریخ گردیزی؛ تصحیح، عبدالحی حبیبی. تهران: ناشر دنیای کتاب.

مرعشی، سیدظهیرالدین بن سید نصیرالدین. (۱۳۶۱). تاریخ طبرستان و رویان و مازندران. چاپ چهارم، تهران: انتشارات شرق.

نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر. (۱۳۵۱). تاریخ بخارا. تلخیص و تصحیح، مدرس رضوی. تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

مقالات

بذرمنش، حلیمه؛ بحرانی پور، علی. (۱۳۹۴). «جایگاه و نقش غلامان و بردگان ترک در حکومت سامانیان». فصل نامه جندی شاپور، شماره ۳، ۲۲-۱.

ستاریان، سامان و همکاران. (۱۳۹۶). «میراث اداری ساسانیان در ایران دوره سامانی». مجله پژوهش های تاریخی ایران و اسلام، شماره ۲۰، ۸۱-۱۰۸.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی